

بررسی شیوع قلدری سنتی و سایبری در دانش آموزان دوره اول متوسطه شهر کاشان ۱۳۹۵

علی فخری^۱، حسین اکبری^۲، فاطمه عربشاهی^۳، زینب گلستانه^۳، مریم صرامی^۳، مهسا اسدالله زارع^۳

چکیده:

سابقه و هدف: قلدری نوعی خشونت سطح پایین است که مورد توجه روانشناسان قرار گرفته است. انواع قلدری شامل جسمی، کلامی، ارتباطی و یا اینترنتی می باشد. پژوهش حاضر با هدف بررسی شیوع قلدری سنتی، سایبری و قلدری در شبکه های اجتماعی در بین دانش آموزان شهرستان کاشان انجام شد.

مواد و روش ها: پژوهش حاضر از نوع مقطعی، توصیفی- تحلیلی می باشد. تعداد ۶۰۰ نفر از دانش آموزان دوره اول متوسطه اول شهر کاشان به روش تصادفی انتخاب شدند. از این تعداد ۵۸۱ نفر به پرسشنامه ی خودگزارش دهی قلدری الوئوس پاسخ دادند. اطلاعات جمع آوری شده وارد نرم افزار SPSS گردید و برای تحلیل داده ها، آزمون های آماری کای اسکوئر و دقیق فیشر و همبستگی پیرسون به کار رفت.

نتایج: بر اساس یافته های این پژوهش، شیوع قلدری در دانش آموزان دوره اول متوسطه شهر کاشان به طور کلی ۲۴/۴٪ بود. شیوع قلدری سایبری نیز ۴/۶٪ محاسبه شد که عمده این قلدری از طریق شبکه های اجتماعی اعمال شده است (۷۲٪). بین بین بومی بودن و قلدری ($p=0/02$) و نیز بین جنسیت و همه انواع قلدری و قربانی ($p=0/00$) رابطه ی مثبت معنی دار مشاهده شد با این توضیح که ارتباط معنی دار بین جنسیت و قلدری تنها در مورد قلدری از طریق شبکه های اجتماعی نقض گردید ($p=0/16$).

نتیجه گیری: مطالعه حاضر بیانگر این واقعیت است که شیوع قلدری در دانش آموزان دوره اول متوسطه شهر کاشان در مقایسه با مطالعات دیگر کمتر است اما نیاز به توجه دارد؛ ضمن اینکه با عنایت به بوجود آمدن شکل های جدید قلدری و فراوانی استفاده از شبکه های اجتماعی موبایل محور و تحت وب، توجه جدی به موضوع قلدری هم برای اجرای تحقیقات آینده و هم انجام مداخلات پیشگیرانه و درمانی حائز اهمیت است.

واژه های کلیدی: قلدری سایبری، قلدری سنتی، قلدری در شبکه های اجتماعی، دانش آموزان

^۱ استادیار گروه بهداشت عمومی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی کاشان
^۲ استادیار گروه آمار و اپیدمیولوژی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی کاشان
^۳ دانشجوی کارشناسی بهداشت عمومی، دانشگاه علوم پزشکی کاشان

مقایسه کیفیت زندگی زنان بعد از زایمان طبیعی و سزارین در زنان مراجعه کننده به مراکز

بهداشتی درمانی شهر کاشان در سال ۱۳۹۵

علی کبریایی^۴، سید غلامعباس موسوی^۵، معصومه سادات میرعالی^۶، ناهید هموردی^۳، سمانه سادات سیدین^۳، صفیه توکلی^۳

چکیده:

سابقه و هدف: به نظر می رسد نوع زایمان بر کیفیت زندگی بعد از زایمان موثر است لذا این مطالعه به منظور مقایسه کیفیت زندگی زنان مراجعه کننده به مراکز بهداشتی درمانی شهر کاشان بعد از زایمان طبیعی و سزارین انجام شد.

مواد و روش ها: این مطالعه توصیفی تحلیلی در سال ۱۳۹۵ بر روی ۳۴۶ خانم مراجعه کننده به مراکز بهداشتی درمانی شهر کاشان که معیارهای ورود به مطالعه را داشتند انجام شد. کیفیت زندگی نمونه ها با استفاده از پرسشنامه کیفیت زندگی WHO (SF36) در ۸-۶ هفته پس از زایمان در حیطه های هشت گانه مورد ارزیابی قرار گرفت. داده های جمع آوری شده با استفاده از آزمون هایی نظیر آزمون T، کای دو، من ویتنی در نرم افزار SPSS نسخه ۱۶ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

نتایج: نتایج نشان داد در ۸-۶ هفته بعد از زایمان، میانگین نمره در زیر مقیاس سلامت جسمی در گروه با زایمان طبیعی $21/08 \pm 83/93$ و در گروه با زایمان سزارین $23/59 \pm 79/65$ می باشد که این اختلاف از نظر آماری معنی دار نمی باشد. میانگین نمره در زیر مقیاس سلامت روانی در گروه با زایمان طبیعی و سزارین به ترتیب $21/94 \pm 73/85$ و $23/83 \pm 73/38$ می باشد که این اختلاف از نظر آماری معنی دار نمی باشد.

نتیجه گیری: براساس یافته های پژوهش حاضر کیفیت زندگی در دو گروه با زایمان طبیعی و سزارین از نظر آماری تفاوت معنی داری وجود ندارد که با سایر مطالعات انجام شده در این خصوص همخوانی دارد لذا پیشنهاد می شود تا مطالعات وسیع تری پیامد های کوتاه مدت و بلند مدت نوع زایمان را در کیفیت زندگی مادر مورد بررسی قرار دهد.

واژه های کلیدی: کیفیت زندگی، زایمان سزارین، زایمان طبیعی

^۴ دانشیار گروه بهداشت عمومی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی کاشان

^۵ مربی گروه آمار و اپیدمیولوژی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی کاشان

^۶ دانشجوی کارشناسی بهداشت عمومی، دانشگاه علوم پزشکی کاشان

شیوع افسردگی، اضطراب و استرس در بین دانشجویان دختر دانشکده بهداشت دانشگاه علوم پزشکی کاشان در سال تحصیلی ۱۳۹۵

یداله رضانی^۱، سید غلامعباس موسوی^۲، حوریه مخمل فروش^۳، عاطفه خبازیان زاده^۴، حدیث کرمی نیا^۵، فاطمه زارعی^۶

چکیده:

سابقه و هدف: اختلال اضطرابی و افسردگی از اختلالات روانپزشکی و از معضلات مهم و نگران کننده جوامع در قرن بیست و یک است. دانشجویان نقش بسزایی در سلامت جامعه بر عهده دارند. بر این اساس پژوهش حاضر با هدف شیوع افسردگی، اضطراب و استرس در دانشجویان دانشکده بهداشت دانشگاه علوم پزشکی کاشان در سال ۱۳۹۵ صورت گرفت.

مواد و روش ها: در این مطالعه توصیفی مقطعی ۱۸۰ نفر از دانشجویان دختر دانشکده بهداشت دانشگاه علوم پزشکی کاشان به روش آسان انتخاب شدند. اطلاعات لازم با استفاده از پرسشنامه DASS در قالب مصاحبه فردی و در قالب نرم افزار SPSS با استفاده از آمار توصیفی و تحلیلی تجزیه و تحلیل شد.

نتایج: در این پژوهش ۲۹/۸۳٪ از دانشجویان دارای هر سه مشکل افسردگی، اضطراب و استرس بودند، ۳۵/۳۵٪ فاقد هر گونه مشکل، ۵۲/۵۲٪ فقط افسردگی، ۶/۰۷٪ فقط اضطراب و ۴/۹۷٪ فقط مشکل استرس داشتند. بین سابقه بیماری روانی در فرد دانشجوی و شیوع افسردگی ارتباط معنی داری وجود دارد، اما بین وضعیت تاهل، درآمد ماهیانه خانواده، نوع سکونت، سابقه فوت و جدایی والدین، رشته تحصیلی، سال ورود به دانشگاه و سابقه بیماری روانی در بستگان درجه یک با شیوع افسردگی، اضطراب و استرس ارتباط معنی داری وجود ندارد.

نتیجه گیری: هرچند اکثر دانشجویان فاقد هرگونه اختلال روانی هستند اما ضرورت انجام مداخلات آموزشی لازم است. ضمن فراهم کردن امکان مشاوره، باید شرایط حاکم بر محیط های آموزش به نحوی اصلاح گردد که باعث محافظت دانشجویان از اختلالات روانی شود.

واژه های کلیدی: افسردگی، اضطراب، استرس، دانشجویان

^۱ مربی گروه بهداشت عمومی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی کاشان
^۲ مربی گروه آمار و اپیدمیولوژی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی کاشان
^۳ دانشجوی کارشناسی بهداشت عمومی، دانشگاه علوم پزشکی کاشان

بررسی شیوع اختلال نقص توجه- بیش فعالی در کودکان دبستانی شهر بادرود در سال ۱۳۹۵

یداله رضانی^{۱۰}، حسین اکبری^{۱۱}، زهرا قضاوی^{۱۲}، زهرا ایزدی، مرضیه زمانیان، عاطفه قربیان، پردیس پاکزاد

چکیده:

سابقه و هدف: اختلال نقص توجه- بیش فعالی اختلالی است که در اوایل کودکی و باعلائمی مثل تکانشگری و یا بی توجهی ظاهر می شود و این علائم بر روی کارکرد کودکان مبتلا تاثیر می گذارد. باتوجه به اینکه در نقاط مختلف جهان شیوع متفاوتی گزارش شده است و دامنه ی شیوع این اختلال وسیع می باشد، هدف از مطالعه حاضر بررسی شیوع اختلال نقص توجه- بیش فعالی در کودکان دبستانی شهر بادرود در سال ۱۳۹۵ می باشد.

مواد و روش ها: این مطالعه به صورت مقطعی و به روش نمونه گیری طبقه ای در سال ۱۳۹۵ انجام شد و والدین دانش آموزان دبستانی دختر و پسر در گروه های سنی ۶-۱۳ سال در جمع آوری اطلاعات شرکت داده شدند. شناسایی این اختلال، در کودکان بر پایه ی بررسی نتایج حاصل از پرسشنامه کانرز انجام گرفت. داده ها به کمک آزمون های Chi_Square و t مستقل مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

نتایج: ۲۷۲ دانش آموز دختر و پسر در پایه های تحصیلی اول تا ششم ابتدایی (۱۲۵ دختر و ۱۴۷ پسر) در مطالعه شرکت داده شدند. میزان شیوع کل در این مطالعه ۵۹٪ به دست آمد؛ شیوع این اختلال در پسران ۶۹/۴٪ و در دختران ۴۸/۸٪ بود. از نظر آماری نیز بین جنس و شیوع نقص توجه- بیش فعالی تفاوت معنی داری مشاهده شد در حالی که این رابطه بین سن و پایه تحصیلی مشاهده نشد. همچنین در ۹۲/۹٪ کودکان مبتلا سابقه ی مراجعه به روانپزشک دیده شد.

نتیجه گیری: شیوع نقص توجه- بیش فعالی در کودکان دبستانی شهر بادرود در مقایسه با سایر مناطق ایران بسیار زیاد می باشد. با توجه به پیامدهایی که این اختلال بر افراد می گذارد، غربالگری کودکان دارای عملکرد ضعیف تحصیلی ضروری به نظر می رسد. عواملی مثل جنسیت، شغل پدر، درآمد، سابقه ی اختلال روانی در اقوام درجه ۲، سابقه ی مراجعه ی کودک به روانپزشک و سابقه ی ابتلا فرزند میتواند در بروز بیش فعالی مؤثر باشد.

واژه های کلیدی: اختلال نقص توجه-بیش فعالی، اختلال دانش آموزان، بادرود

^{۱۰} مربی گروه بهداشت عمومی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی کاشان

^{۱۱} استادیار گروه آمار و اپیدمیولوژی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی کاشان

^{۱۲} دانشجوی کارشناسی بهداشت عمومی، دانشگاه علوم پزشکی کاشان

بررسی نگرش جامعه نسبت به بیماری های روانی در کاشان در سال ۱۳۹۵

علی فخری^{۱۳} غلامعباس موسوی^{۱۴} نازنین سادات جلالی^{۱۵}، سعیده طحان^۳

چکیده:

سابقه و هدف: امروزه بار ناشی از آسیب ها به بعد روانی سلامت، مسؤولین سلامت در سطح جهانی را نگران کرده است. میزان شیوع اختلالات روانی در کشور های در حال توسعه رو به افزایش است. در ایران نیز بیش از ۲۰ درصد از مردم از اختلالات روانی رنج می برند. علیرغم پیشرفت های علمی در حوزه شناخت و درمان بیماری های روانی هنوز هم ارائه خدمات روانپزشکی به دلیل نگرش های خرافی و کلیشه ای با اشکال مواجه می گردد. موضوع پژوهش حاضر بررسی نگرش مردم شهرستان کاشان در مورد بیماری های روانی است.

مواد و روش ها: محل اجرای تحقیق شهرکاشان و نمونه ها به صورت تصادفی دو مرحله ای انتخاب شدند و در مطالعه شرکت کردند (۹۸ نفر). ابزار پژوهش پرسشنامه Community Attitudes toward Mental Illness (CAMI) تعدیل شده بود که دارای ۳۰ سوال نگرشی بین ۱ تا ۵ امتیاز است. داده ها با استفاده از نرم افزار SPSS نسخه ۱۶ و آزمون های آماری مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

نتایج: نتایج نشان داد که اکثر افراد مورد بررسی نگرش مثبت و واقع بینانه ای نسبت به بیماری روانی داشتند (با میانگین ۳/۶۵ و انحراف معیار ۰/۴۱). در بعد قدرت طلبی، نگرش زنان و افراد با تحصیلات بالاتر، به ترتیب از مردان ($p = ۰/۰۱$) و افراد دارای تحصیلات پایین ($p = ۰/۰۰۱$) بهتر بود. بین متغیر سن و نگرش همبستگی معنی داری دیده نشد. تفاوت معنی داری بین نگرش نسبت به بیماری های روانی و مناطق مختلف شهر کاشان، وضعیت تأهل و شغل دیده نشد.

نتیجه گیری: نگرش مثبت افراد نسبت به بیماری روانی می تواند نشان دهنده ی عملکرد مناسب نظام سلامت در حیطه های آموزش، اطلاع رسانی به مردم در این زمینه ها و از بین بردن نگرش های خرافی و کلیشه ای در مورد این بیماری ها باشد. با این وجود با توجه به میانگین نمره ی نگرش هنوز هم نیاز به تلاش های بیشتر نظام سلامت در این زمینه حس می شود.

واژه های کلیدی: بیماری روانی، انگ، نگرش به بیماری روانی

^{۱۳} استادیار گروه بهداشت عمومی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی کاشان

^{۱۴} مربی گروه آمار و اپیدمیولوژی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی کاشان

^{۱۵} دانشجوی کارشناسی بهداشت عمومی، دانشگاه علوم پزشکی کاشان